

دولت اسلامی افغانستان  
وزارت تعلیم و تربیه  
ریاست تالیف و ترجمه

# قرائت دری

برای صنف دوم

Ketabton.com

دولت اسلامی افغانستان

وزارت تعلیم و تربیه

ریاست تالیف و ترجمه

# قرائت دری

برای صنف دوم



## رهنما برای معلم

- ۱- قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید یلان درسی را با خود داشته باشد.
- ۲- یلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که در این مورد دقت نماید.
- ۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.
- ۴- معلم صاحب باید با لباس پاک داخل صنف شود.
- ۵- برای معلم لازم است تا در وقت داخل شدن به صنف سلام بگوید.
- ۶- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمن الرحیم بگوید.
- ۷- معلم صاحب باید با در نظر داشت مقوله «كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَيَّ قَدْرَ عَقُولِهِمْ» تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.
- ۸- معلم صاحب برای تدریس خوتر فضای مساعد را در صنف آماده سازد.
- ۹- برای اینکه در تدریس مؤثریت پیدا شود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.
- ۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.
- ۱۱- معلم صاحب باید وظیفه - خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و آنها را به اشتباهات و غلطیهای شان متوجه سازد.

- ۱۲- برای معلم صاحب لازم است که حضری شاگردان را بگیرد.
- ۱۳- معلم صاحب باید شاگردان خود را در جریان تدریس ارزیابی نماید.
- ۱۴- برای معلم صاحب لازم است تا در میان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید.
- ۱۵- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید.
- ۲۶- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.
- ۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس و بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد.
- ۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفهء خانه گوی بدهد و آن را ملاحظه و اصلاح نماید.
- ۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی «سنگ ریزه ها» گل، دانه، جواری و غیره عملیات جمع - تفریق - ضرب - و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارته‌ها، نقشه‌ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد.
- ۲۰- برای معلم صاحب لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده جرأت سؤال نمودن از شاگردان سلب نگردد.
- ۲۱- معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه‌های خود نقل و در آن حل نمایند.

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## حمد

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| که بجان و دلش هسی خوانیم | نام حق بر زبان هسی انیم    |
| خالق و رازق و رؤف و رحیم | ملک و صانع و قدیم و حکیم   |
| بمه زویافت صورتی         | هر چه هست از بلند می آید   |
| کرد ما را خطاب تا بنسیم  | دار ما را کتاب تا بنخوانیم |
| طاعت او بجان کنیم همه    | هر چه او گفت آن کنیم همه   |
| نیست سودی بجز زیان کردن  | آنچه او گفت غیر از آن کردن |
| پیروست رسول وی ایم       | روز و شب طالب قبولی ایم    |

| معنی         | لغات | معنی       | لغات |
|--------------|------|------------|------|
| شنا و صفت    | حمد  | پیدا کننده | خالق |
| بسیار مهربان | رؤف  | روزی همه   | رازق |
| رحم کننده    | رحیم | ضرر و خار  | زیان |

## الله

الله جل جلاله خالق پروردگنده ما و تمام دنیا می باشد.  
خدوند ما انسانهارا از یک پدر و مادر، حضرت آدم  
و بی بی حوا، پیدا کرده است.

الله، به ما دست، پا، چشم، زبان و عقل داده است  
تا او را عبادت کنیم و با او کسی را شریک نزنیم.  
چیزی را که امر کرده است بجا آریم و از کارهایی که ما را  
منع کرده است پرهیز نماییم.

ما مسلمانان برای خوشنودی خدوند، عبادت می کنیم.

---

# حضرت محمد

حضرت محمد ص آخرین پیغمبر خدا، و رهبر ما است.

حضرت ص در شهر مکه مکرمه دنیا آمده است.  
نام پدر حضرت محمد ص، عبدالله و نام مادرشان بی بی آمنه بود.

حضرت محمد ص به عمر چهل سالگی از طرف خداوند پیغمبر شد.  
و دین اسلام را به تمام جهان رسانید.

پیغمبر مردم راه راست و صداقت را نشان داد.  
حضرت محمد ص به عمر شصت و سه سالگی در شهر مدینه منوره وفات نمودند.  
ما حضرت محمد ص را از جان خود زیادتر دوست داریم.

|                 |                     |                               |                     |
|-----------------|---------------------|-------------------------------|---------------------|
| معنی -<br>مردان | لفظ<br>رهبر<br>وفات | معنی -<br>کلمه احترام<br>دنیا | لفظ<br>حضرت<br>جهان |
|-----------------|---------------------|-------------------------------|---------------------|

تعمیرین :  
شاگردان سطر اول درس فوق را از روی کتاب بویسند.  
حضرت محمد ص، در کجا به دنیا آمد؟  
حضرت محمد ص، به عمر چند سالگی پیغمبر شد؟  
حضرت محمد ص، در چند سالگی وفات نمود؟



# قرآن شریف

قرآن شریف کتاب خداوندی جلد است .

قرآن کریم از طرف خداوند به واسطه حضرت جبرئیل علیہ السلام بر حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم

نازل شده است .

قرآن کریم دارای سی پاره و یک صد و چارده سوره میباشد .

خداوند، در قرآن شریف به ما امر نموده است که تنها اور عبادت کنیم

ما باید قرآن شریف را خوب یاد بگیریم همیشه تلاوت کنیم معنی آنرا

بدانیم و بر آن عمل کنیم .

| لغت  | معنی             | لغت    | معنی                      |
|--|------------------|--------|---------------------------|
| نازل   | پایان فرستاده    | پرستش  | بنده گی ، عبادت           |
| تلاوت  | خواندن قرآن کریم | جبرئیل | یکی از ملائکه بزرگ خداوند |
| جملات نامکمل زیر را در کتابچه های خود نوشته بعداً آنرا تکمیل نمایند: |                  |        |                           |
| ۱- قرآن شریف کتاب .....  |                  |        | است .                     |
| ۲- قرآن کریم بواسطه .....  |                  |        | نازل شده است .            |
| ۳- قرآن کریم .....   |                  |        | پاره است .                |

# اسلام

دین ما اسلام است.

دین اسلام بهترین و کاملترین دین ما است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مردم فرمودند:

« من همه خوبی های دنیا و آخرت را برای شما آورده ام خدایم خدای دوزخ است،

پس من امر کرده ام که مردم جهان را به دین اسلام دعوت کنم »

ما شکر مسلمان هستیم و از دین اسلام پیروی می کنیم.

|         |                   |
|---------|-------------------|
| لغت     | معنی              |
| دعوت    | خبرستن و طلب کردن |
| فرمودند | گفتند             |

جملات ذیل را سه مرتبه بنویسید.

- ۱- دین ما اسلام است.
- ۲- دین اسلام بهترین و کاملترین دین ما است.

# امام اعظم رحمته الله عليه

- ۱- نام اصلی امام اعظم درج، نعمان و نام پدرش ثابت است.
- ۲- امام صاحب بابوحنیفه مشهور است.
- ۳- وطن آبابئی امام صاحب افغانستان است.
- ۴- مایر و مذہب امام اعظم درج، مستیم.
- امام اعظم درج، در سال ۱۰۰ هجری در کوفه دنیا آمد.
- ۱۵۰ هجری در شهر بغداد وفات نمود.
- امام اعظم درج، یک شخص مجاهد، پیرمیزگار و عالم بزرگ بود. امام صاحب علمای زیاد را تربیه نموده اند.

معنی  
بزرگ

لغت  
اعظم

معنی  
پیشوا  
پدری

لغت  
امام  
آبابئی

جواب این سوالها را بنویسید.

- ۱- مادر مذہب کی هستیم؟
  - ۲- نام امام صاحب چیست؟
  - ۳- امام صاحب در کدام سال دنیا آمد؟
  - ۴- امام صاحب در کدام سال وفات نمود؟
- مسلم صاحب سنه هجری را به شاگردان ترویج نماید.

# پیام به شاگردان

شاگردان عزیز! امروز که شما از خوردنید، فردا از بزرگان  
مردم خود خواهید بود. میدانید که ماهم مثل شما در این صنف درس  
می خواندیم. در پهلوی درها به تریه خودم بسیار کوشش می کردم.  
میش از داخل شدن به صنف پاپوش های خود را پاک می کردم میز  
چوکی و فرش صنف خود را پاک نگه میداشتم. همصفاں خود را دوست  
داشتیم و بعد که خود را کمک مینویدم.



گفته های معلم صاحب را به گوشش می شنیدیم . از کتب  
که رخصت می شدیم در راه با کس جنگ و جدال نمی کردیم و راسا  
بخانه خود میرفتیم . به کشتزار ، نهال ها و درخت های مردم  
ضرر نمی رساندیم . حیوانات را در راه آزار نمیدادیم . در راه به  
بزرگان سلام میدادیم . وقتی که داخل خانه خود می شدیم به  
خورد و کلان سلام می گفتیم .

## تمرین

از شاگردان پرسیده شود که چگونه در صف داخل میشوند ؟

از شاگردان خواسته شود که هر یک در مورد پاک کردن پاوشش ، پاک نگه داشتن  
صف ، همکاری با همصنفان ، طرز رفتار منظر خود را ارایه نمایند . معلم صاحب گفته های شانرا  
بالای تخته نوشته آزانمخت بالای شاگردان قرائت نموده و در قدم دوم از شاگردان خواسته  
شود که نوشته های خود را در کتابچه های خود بنویسند .

شاگردان عزیز! در خانه لباس و کتابهای خود را  
در جاهای معین می گذاشتیم، در وقت ناهان خوردن دست  
های خود را، خود ما می شستیم، در دسترخوان بسیار با ادب  
می نشستیم، برای اینکه خنده نکنیم و غذا را به خوشی خورده باشیم  
یکان نگاه می گفتم. اعضای خانواده خود را در کارهای  
خانه کمک میکردیم. نماز را با جماعت ادا کرده قرآن شریف  
را پیش قاری صاحب می خواندیم، در پاک نگه داشتن مسجد  
توجه داشتیم به دروس و کارهای مکتب خود بسیار کوشش  
می کردیم.

صنف های بلند را که به آخر رسانیدیم یک تعداد ماداکتر  
عده انجمن، برخی به مرور زمان وزیر و یک تعداد ما معلم و سر معلم  
شدیم. پس شما اگر امروز به درس ما و کارهای مکتب خود  
کوشش کنید، همین طور یک تعداد شما در آینده ماداکتر

عده انجمنیر، برخی رئیس و وزیر و شاید صدراعظم و رئیس جمهور هم  
 شوید. تعدادی از شما، مثل ما معلم خواهند شد. انسان در هر  
 کاری که باشد، لازم است یک مسلمان کامل، خدمتکار  
 صادق و یک شخص با معلومات و با مهارت باشد.

تمام کارهای این وطن به شما سپرده میشود پس  
 بر شما لازم است که امروز در تعلیم و آموختن کارهای نیکو  
 بسیار کوشش کنید تا برای مردم و وطن خود یک خدمتگارا  
 فعال و صادق شوید

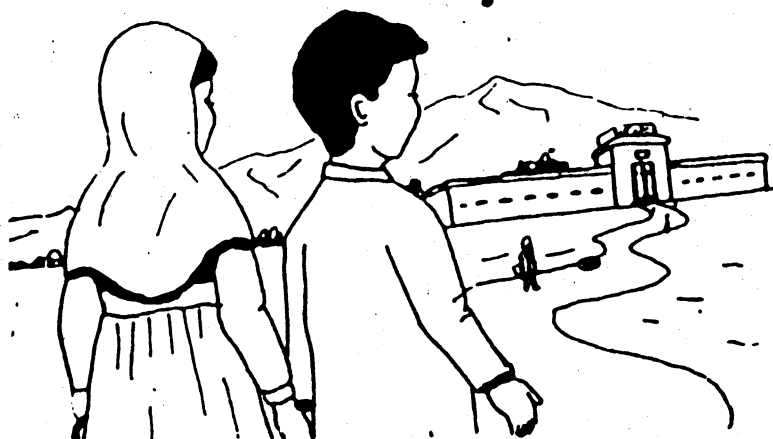
| معنی    | لغات | معنی      | لغات        |
|---------|------|-----------|-------------|
| راستکار | صادق | گذشت زمان | مرد در زمان |

کامل

پوره  
 همین درس چه آموختید، بیان کنید.

انسان در هر کاری که باشد لازم است یک مسلمان کامل، خدمتکار صادق و با مهارت باشد.  
 جده فوق را سه مرتبه در کتابچه های تان بنویسید.

# کتاب



کتاب جای آموختن علم و ادب است. ما هر روز به  
کتاب میرویم و قریب ساعت درسی شروع میشود و صنف  
های خود داخل میشویم پسینکه معلم صاحب به صنف آمد  
خود را با بسیار احترام به رهنمایی ما ایش آماده ساخته به  
سخن با ما گوش میدیم.

در کتاب قرآن کریم، دینیات، خواندن، نوشتن، حساب  
و غیره چیزهای مفید را می آموزیم.



# علم

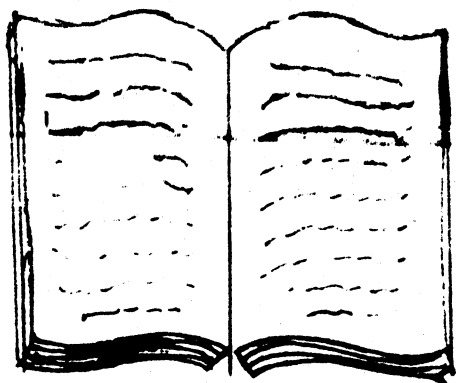
- ترقی و پیشرفت زندگی امروزه را که چشم می بینیم همه از برکت علم است که خداوند جود به انسان بخشیده است .  
 - آموختن علم است که انسان را در دنیا و آخرت خوش بخت یابد .  
 - کسانی که علم نداهند خود را در جماعتی از شناخته نمی توانند .  
 - پیغمبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده اند :  
 طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است .

---

|             |     |           |        |
|-------------|-----|-----------|--------|
| معنی        | لغت | معنی      | لغت    |
| در چند آوزن | فرض | یاد گرفتن | آموختن |
| دانش        | علم | خوابیدن   | طلب    |
|             |     | پیشرفت    | ترقی   |

شاگردان این جمله را « طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است »  
 را حفظ نموده در کتابچه ای خود بنویسید .

# کتاب



ما کتاب های خود را بسیار دوست داریم. کتاب های ما راه  
راست و کامیابی را به شما نشان می دهند.  
بسیاری درس های کتاب های ما از آیات قرآن شریف  
و احادیث حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرفته شده اند.  
ما باید کتاب های خود را درست نگهداری کنیم.  
درس های آن را خوب یاد بگیریم تا در دنیا و آخرت سر بلند  
و با عزت زندگی نماییم.

معلم صاحب معنی این کلمات را به شاگردان تفهیم نموده تکرار نماید.

آیات احادیث عزت

شاگردان این سوال را جواب گفت یک بار بنویسند.

۱- کتاب های ما کدام راه را به ما نشان میدهند؟

۲- کتاب های خود را چگونه نگه داری؟

## کتاب می گوید

من یارِ مهربانم  
گویم سخنِ فراوان  
پندت همهم فراوان  
من دوستِ هنرمندم  
از من مباش غافل

و انا و خوش بیانم  
با آنکه بی زبانم  
من یارِ پسندانم  
با سود و بی زیانم  
من یارِ مهربانم

---

| <u>معنی</u>   | <u>لغت</u> | <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
|---------------|------------|-------------|------------|
| با هنر و عاجز | هنرمند     | بسیار       | فراوان     |
| بی خبر        | غافل       | نصیحت       | پند        |
|               |            | فایده       | سود        |
|               |            | ضرر         | زیان       |
|               |            | خوش صحبت    | خوش بیان   |

معلم صاحب شب در روز برای تسلیم و تربیه ما زحمت می کشد. هر روز پیش از شروع درس به صنف می آید. و بعد از ادا ای سلام و احوال پرسی ما نصیحت می کند. معلم صاحب ما بسیار مهربانی کارهای خانگی ما را دیده به درس جدید شروع می کند. بعد از آن سوال ما را بجهت جواب می دهد. به ما کارهای خانگی میدهد.

ما هم معلم صاحب خود را مانند والدین خود دوست داریم و او را احترام میکنیم همیشه به بدایت نیک شان رفتار می نمایم.

|       |          |        |          |
|-------|----------|--------|----------|
| لغت   | معنی     | لغت    | معنی     |
| تسلیم | درس دادن | محبت   | درس دادن |
| زحمت  | ریج دادن | والدین | ریج دادن |
| جدید  | نزد تازه | بدایت  | نزد تازه |
|       |          | دوستی  | نزد تازه |

معلم صاحب شاگردان را طایفه دهد تا راجع بر این کس چیزی بر زبان خود ادا یا بگوید تا در نطق و خطاب تشویق شوند و جرات پیدا کنند.

# پدر و مادر

ما به پدر و مادر خود بسیار احترام داریم.  
 مسائیکه به پدر و مادر احترام می کنند، خداوند جل جلاله از آنها  
 خوش می شود.  
 ما شاگردان گفتمه های نیک پدر و مادر خود گوش می دهیم.  
 پدر و مادر ما را به کارهای خوب رهنمایی نموده و از کارهای  
 خراب منع میکنند.  
 ما هم تا زنده باشیم خدمت پدر و مادر خود را می کنیم.

لغت  
 احترام

معنی  
 عزت و قدر

نیک  
 خوب

شاگردان کلمات زیر را در مرتبه بنویسند.

، احترام پدر و مادر و خدمت آنها را بجای آوریم

## خانواده

پدر، مادر، برادران و خواهران که در یک خانه زندگی میکنند، یک خانواده گفته میشود.

پدر و مادر بزرگان خانواده میباشند و برای اطفال شان خوراک و پوشاک تهیه می کنند و آنها مهربانی دارند.

اطفال به بزرگان خود احترام میکنند و به گفته مای پدر "ما" رِقار میکنند. مادر کارهای خانه با همس کک می کنیم. کوشش میکنیم که بزرگان خانواده از ما خوش باشند.

|        |                 |
|--------|-----------------|
| لغت    | معنی            |
| بزرگان | کلاهنبا         |
| شفقت   | دلوزی و مهربانی |
| تهیه   | آماده           |

### سوالات:

- ۱- خانواده عبارت از کدام اشخاص میباشد؟
- ۲- مادر خانواده خود باید چه طور رفتار داشته باشیم؟

## خانه ما

روزی پدر اشرف میزم و اشرف ترکاری با خود آشته  
هر دو از سرزمین های سرسبز به طرف خانه می رفتند، در راه  
چشم اشرف به خانه مورچه ها افتید و گفت: پدر جان! خانه  
مورچه ها چقدر پاک است؟ پدر گفت: بی اشرف جان!  
مورچه ها نیز مانند ما خانه خود را دوست داشته و همیشه آنرا پاک  
نگاه می کنند. چند قدم پیشتر رفتند، اشرف پرنده کوچکی را  
دید که با منقار خود پری را گرفته به شاخه درخت نشست. اشرف  
گفت: پدر جان! این پرنده چرا پر را در نول خود گرفته  
و آنرا چه می کند؟ پدرش گفت: برای خود آشیانه می سازد.  
هر کس بنجانه ضرورت دارد. وقتی که بنجانه خود رسیدند، پدر گفت!  
اشرف جان! در خانه رسیدی چه حس می کنی؟  
اشرف گفت: خوشی پدر! هر کس در خانه خود خوشی



حس می کند . هر کس خانه خود را خوش دارد ، ماهم خانه خود را دوست داریم . خانه جای راحت ماست .

## بیت

|                          |                            |
|--------------------------|----------------------------|
| در پی جمع آب ودانه خویش  | هر کسی بست در زمانه خویش   |
| مهرورز در آتشیان خویش    | دیده باشی پرنده را که چنان |
| میکشندش به سوی لانه خویش | هر چه پیدا کنند مورچگان    |
| پلی بهبود وضع خانه خویش  | ماهم از ته جان و دل کوشیم  |
| میسرانیم این ترانه خویش  | گاه و بیگاه هر کجا باشیم   |

دوست داریم همچو جان عزیز

ملک زیبای جاودانه خویش

|             |             |             |             |
|-------------|-------------|-------------|-------------|
| <u>معنی</u> | <u>لغات</u> | <u>معنی</u> | <u>لغات</u> |
| بهرتر شدن   | بهبود       | نول         | منقار       |

## همسایه

مردمیکه در پهلوئی خانه ماتمی ما زندگی میکنند همسایه گفته میشوند.  
 بر بر مسلمان لازم است که حقوق همسایه های خود را بشناسد  
 و به آنها نیکی کند ، اگر با همسایه های خود در قمار خوب  
 نماییم خداوند عذاب از ما خوشش میشود و هم در بین ما محبت و  
 اتفاق پیدا میشود.

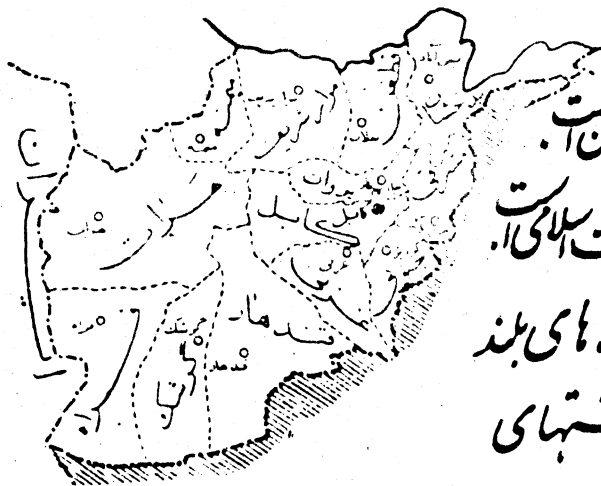
پیغمبر با حضرت محمد چنین فرموده اند.

همسایه بخداوند عذاب ، و روز آخرت ایمان دارد ،  
 همسایه های خود احسان میکنند ، و هیچ وقت به آنها ضرر نمی رسانند

|           |       |
|-----------|-------|
| معنی      | لغت   |
| جمع حق    | حقوق  |
| نیکی کردن | احسان |
| دوستی     | محبت  |

مسلم صاحب حقوق همسایه را خوبتر و شاکردن بفرماند و نیکی در ویر خوب با  
 همسایه آنها را تشویق نماید.

# وطن



وطن عزیز ما افغانستان است.  
 افغانستان یک مملکت اسلامی است.  
 وطن ما افغانستان کوه های بلند  
 چشمه های صاف، دشتهای

سرسبز، تپه های قشک و معادن فراوان دارد.

مادر آب و هوای وطن عزیز خود تربیه شدیم. حق آزادی  
 هیچ وقت فراموش نمی کنیم. ما فزنده ایم در وطن عزیز  
 خود آزاد و زیر سیرق اسلام زندگی میکنیم و در ترقی و  
 آبادی آن کوشا میباشیم:

آزاد و آباد باد وطن عزیز ما افغانستان

| معنی           | لغات   |
|----------------|--------|
| معدن یا کان یا | معدن   |
| زیبا           | قشنگ   |
| جمع مملکت      | ممالک  |
| از یاد کشیدن   | فراموش |
| دست            | عسزیز  |
| کوشش کننده     | کوشا   |
| باشد.          | بار    |

شاکردان این شعار «آزاد و آباد باد وطن عسزیز افغانستان  
دار و نویس کنند»

# فصل بهار



بهار فصل اول سال است.

در این فصل بهار معتدل می باشد.

درختان که در زمستان بی برگ و بی ثمر بودند، به قدرت کامل

خداوند بهین جلد شکوفه می کنند و سرسبز میشوند در دشتها و درنه

های کوه ها گله های رنگارنگ سرسبزند ببلبلان در باغ ها و گلزارها

به آواز خوانی شروع میکنند پرندگانه ها آشیانه می سازند.

چوپان ها حیوانات را به چرا می برند. دهقانان بکشت و کار

شروع نمایند.

کوچها از نیک جا به جای دیگر میروند.

همای بهار برای درختان، نباتات و صحت انسان

و حیوان فایده میسرساند.

بشاگردان لازم است که از نعمت های بزرگ خداوند

استفاده نمایند و صبح بعد از ادای نماز و تلاوت قرآن

در همای صاف درس های خود را حفظ کنند.

|             |            |             |            |
|-------------|------------|-------------|------------|
| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> | <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
| فایده گرفتن | استفاده    | میوه        | ثمر        |
| توانائی     | قدرت       | برابر       | معتدل      |
|             |            | یاد         | حفظ        |

علم صاحب چهار فصل را بقدر فهم شاگردان بیان کند.

## آداب غذا خوردن

دین مقدس اسلام آداب زنده گی را به ما یاد میدهد.  
برای زنده گی خوبتر ما را ارشاد نمائی میکند. اگر به آنها درست عمل  
کنیم خوش بخت می شویم. دین ما آداب خوردن و نوشیدن  
را برای ما اینطور بیان کرده است:

۱- پیش از خوردن غذا دستهای خود را سه بار با آب پاک  
بشویم.

۲- در شروع خوردن غذا بسم الله الرحمن الرحیم بگوئیم.

۳- لقمه را باید خورد گرفته خوب بجویم تا بهتر و خوبتر  
هضم شوند.

۴- لقمه بی راکه از ظرف غذا بگیریم باید از پیش روی خود

بگیریم.  
۵- پیش از سیر شدن از خوردن غذا بس کنسیم.

۶- غذا را باید داغ نخوریم که به وجود ما نقص میرساند.

۷- باید غذا را در وقت خوردن پف نکنیم.

۸- بعد از خوردن غذا به گفتن الحمد لله شکر خداوند را بجا آوریم.

---

| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
|-------------|------------|
| نان         | غذا        |
| پاک         | مقدس       |
| حل          | بفهم       |

معلم صاحب آداب غذا خوردن را برای شاگردان بفرمایند.



## لطیفه

یک مریض پیش داکتر رفت و برایش گفت :  
شکم من درد میکند.

داکتر پرسید : چی خورده یی ؟ مریض گفت :

نان سوخته خورده ام . داکتر به مریض گفت :  
بر و اول چشم های خود را تداوی کن .

|               |            |
|---------------|------------|
| <u>معنی</u>   | <u>لغت</u> |
| مطلب خنده آور | لطیفه      |
| دولادان       | تداوی      |

- ۱- معلم صاحب نتیجه لطیفه را به شاگردان خوبتر و واضح سازد.
- ۲- معلم صاحب شاگردان را بیاد گرفتن لطیفه های سودمند تشویق کند

# روش یک مسلمان

یک مسلمان نمازهای خود را به جماعت میخواند، قرآن کریم را تلاوت میکند، همیشه امر خدای را و نهذول جلاله را اطاعت میکند، از اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیروی میکند. در اتحاد مسلمانان کوشش میکند.

با پیشانی باز و شیرین زبانی صحبت میکند، به چکس را آزار نمیدهد، در امانت خیانت نمیکند.

در هر کار خدای را و نهذول جلاله حاضر میداند، همیشه در حفاظت دین اسلام و ترقی وطن خود کوشش میکند.

|              |       |                   |       |
|--------------|-------|-------------------|-------|
| معنی         | لفظ   | معنی              | لفظ   |
| پیروی        | اطاعت | نگهداری           | حفاظت |
| با هم گپ زدن | صحبت  | ناراستی           | خیانت |
|              |       | خواریان قرآن کریم | تلاوت |

معلم صاحب جلد زیر را بالای شاگردان مشتق و تمرین نماید.  
یک مسلمان همیشه در اتحاد مسلمانان کوشش میکند.

# کارهای روزمره

سلیم گفت، من یک برادر و یک خواهر دارم. ما همه صبح وقت از خواب بیدار می شویم. بعد از وضو من با پدر و برادر خود به مسجد رفته نماز جماعت را ادا می کنم. مادر و خواهرم در خانه نماز می خوانند. بعد یک جاقرا نکیم را تلاوت می نمایم. پس از آن برادرم و پدرم به کارهای زمین داری بطرف زمین ما می روند، خواهرم هم برای مادرم کارهای خانه را انجام می دهند، من به مکتب میروم اما درم نان پخته میکند، خواهرم ظرفها را می شوید. من بعد از حضرت شدن مکتب آبی آورم و به آنها کمک می کنم. گسایکه در یک خانه زندگی میکند باید با یکدیگر کمک و همکاری نمایند.

|                         |     |             |   |
|-------------------------|-----|-------------|---|
| معنی                    | لغت | معنی        | لغت   |
| سامان بخت و پوزنان خوری | ظرف | خواندن قرآن | تلاوت   |
|                         |     | کمک کردن    | همکاری  |
|                         |     |             | معلم صاحب شاگردان را توصیه نمایند که در کارهای خانه سهم بگیرند. |

# آزادی

زلمی یک پرنده را در یک قفس زیبا انداخته بود. دانه  
مای خوب و آب صاف برایش میداد. پرنده دایم ناله  
وزاری میکرد. زلمی به ناله وزاری پرنده خوشحالی می نمود.  
یک روز مای زلمی به خانه شان مهمان بود. زلمی قفس  
را پیش مای خود آورد و بسیار خوشی گفت: ماما جان بسین،  
مرغک من چه خوب سخنوازند. مامایش گفت:  
فرزندم! این خواندن نیست، این ناله جدائی از دوستان  
است، این پرنده میخواهد که بادیگر پرندهگان به باغها برود  
و آزاد زندگی کند. زلمی بعد از شنیدن گفته مای مای  
خود پرنده را آزاد کرد.

---

تاگردان جملات زیر را در کتابچه خود نوشته و تکمیل نمایند.  
این پرنده میخواهد که بادیگر پرندهگان ..... و آزاد زندگی کند.  
زلمی بعد از شنیدن گفته مای مای خود ..... را ..... کرد.

## تربیه حیوانات

پدر اکرام رفته گو سفندان خود را تربیه و از آنها با خبری  
مینماید. هر وقت گو سفندان خود را حلف و آب میدهد.

رمه را هر روز به چراگاه میرود.

یک روز اکرام به پدر خود گفت: پدر جان! چرا گو سفندان  
مانست به گو سفندان زلمی چاق هستند؟ پدرش گفت:  
پسرم! بمن راجع به تربیه حیوانات در مکتب درس خوانده ام.  
تربیه حیوانات و مال داری را خوب میدانم و گو سفندان خود را  
خوب تربیه می کنم. زلمی نمیداند که چطور تربیه میشود.  
از این سبب گو سفندان او لاغر مانده اند.

ما از حیوانات فایده زیاد میگیریم از پشم آنها قالین،  
گلیم و از پوست آنها بوت، چپلی و غیره می سازیم از شیر

# آنها ما است، قروت، روغن، قیماق و پنیر تهیه میکنیم.

---

| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
|-------------|------------|
|-------------|------------|

|      |     |
|------|-----|
| سبزه | صلف |
|------|-----|

|       |      |
|-------|------|
| آماده | تهیه |
|-------|------|

پرسش های ذیل را جواب بنویسید.

۱- از چشم حیوانات چی چیز ساخته میشود؟

۲- از شیر حیوانات چی چیز تهیه میشود.

# اخلاق نیک

۱- اخلاق نیک عبارت از امانت داری، ارشکاری، احترام به بزرگان، شفقت بر کودکان، کمک به ناداران، وفای به عهد، نرم گویی و غیره کارهای خوب میباشد.

۲- پیغمبر خداوند درین جمله، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دارای اخلاق بسیار عالی بودند. به اخلاق نیک خود همه مردم را دوست خود ساخته بودند.

۳- اخلاق نیک قدر و عزت انسان را زیاد مینماید.  
ای برادر گرخسرو داری تمام  
نرم و شیرین گوی با مردم کلام

| معنی           | لغت          | معنی   | لغت         |
|----------------|--------------|--|-------------|
| مهربانی<br>سخن | شفقت<br>کلام | بلند<br>قول دادن   | عالی<br>عهد |
|                |              | شاگردان این جملات نامکمل را کامل نمایند.                       |             |
|                |              | ۱- پیغمبر خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، دارای ... بودند. |             |
|                |              | ۲- اخلاق خوب ... می سازد.                                      |             |
|                |              | شاگردان بیت بالا را دو مرتبه بنویسند.                          |             |

## شاگرد راستکار

نذیر یک شاگرد کارکن و کوششی است. در دروسهای خود بسیار کوشش می کند. دروسهای خود را به حضور پدر و مادر خود به آواز بلند می خواند و از رهنمایی های معلمان خود در خانه قصه می کند، فامیلش قصه او را می شنوند و خوش میشوند. نذیر که حالا به صنف دوم درس می خواند روزی به مادر خود گفت:

مادر جان! معلم ما دیروز گفت، شما اطفال و شاگردان باید دارای صفات ذیل باشید:

- هرگاه پینسل، قلم یا کتابچه ضرورت پیدا می کنید آزرابه والدین خود بگویید تا تهیه نمایند.

- چیزی را که می خرید قیمت اصلی آزرابه بگویید.

- بدون اجازه از گرفتن مال دیگران خودداری کنید.



- اگر به اجازه پدر و مادر خود به جایی میروید آدرس کامل آنجا را به فامیل خود بدهید .

- هرگاه در وقت خرید چیزی، دکاندار سهواً به شما پول اضافی بدهد آنرا بزودی به صاحبش واپس بدهید .

- اگر کسی از شما آزرده شود فوراً از وی معذرت بخواهید .

- مال امانت را بعد از تشکری ، سلامت به صاحبش بسپارید .

- اگر در محلی که حادثه رخ داده باشد و شما در آن محل حاضر بوده

باشید در صورت ضرورت ، حقایق واقعه را بیان کنید .

- در هر کار صادق باشید .

| معنی      | لغت   | معنی       | لغت    |
|-----------|-------|------------|--------|
| عند خوابی | معذرت | صفتاً -    | صفات   |
| واقعیّت   | حقایق | پدر و مادر | والدین |
| واقعه     | حادثه | نشانی      | آدرس   |

پیشتر اگر چه نوبت صفات شاگرد راستکار را بیان کند .  
از شاگردان خواست شود که جمله را گوش میکنند که راستکار باشیم ، رایج مرتبه در کتابچه خود بخوانند .

# امانت داری

امانت داری یکی از صفات خوب اسلامی است.  
حضرت محمد صلی الله علیه و سلم، در امانت داری خود شهرور بودند.  
همه مردم حضرت محمد صلی الله علیه و سلم را به نام امین یاد میکنند.  
پیغمبر صلی الله علیه و سلم فرموده اند: کسانی که امانت رخنیاقت  
میکنند ایمان کامل ندارند. شخص امانت دار هر کس اعتماد  
دارد. او همه جا قدر و احترام میشود.  
بهر نفس و مسلمان باید امانت دار باشد تا در دنیا و آخرت  
کامیاب گردد. درود و سلام با در حضرت محمد صلی الله علیه و سلم  
این وراستکار

| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> | <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
|-------------|------------|-------------|------------|
| صفت با      | صفات       | امانت دار   | امین       |
| باور کردن   | اعتماد     | پوره        | کامل       |

جملات ذیل را مشق و تمرین نمایید.

- ۱- حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در امانت داری مشهور بودند.
- ۲- همه مردم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را بنام امین یاد میکردند.
- ۳- کسانی که امانت را خیانت می کنند ایمان کامل ندارند.
- ۴- هر مسلمان باید امانت دار باشد.

## ساعت یافت شده

یک روز اسد با دوست خود ققاج برای توپ بازی رفته بود. در میدان کتب توپ بازی کردند. بعد از توپ بازی به طرف خانه های خود روان شدند.

اسد در نزدیک خانه در کنار جوی دید که یک ساعت افتاده است. از یافتن ساعت خوش شد و آنرا برداشت. درین وقت به یادش آمد که مادرش گفته بود: «اگر چیزی یافتی باید صاحبش را پیدا کنی و به او بدهی». اسد اینطرف و آنطرف را دید اما کسی نبود، اسد خفته شد که صاحب آنرا نیافت. ساعت را با خود به خانه برده به کاکای خود نشان داد. کاکایش گفت: اسد جان! ما هرگاه چیزی را می یابیم باید صاحب آنرا پیدا کرده برایش سپاریم، حالا بیا برویم.

از خانه بیرون شدند، چند قدم دور تر یک نفر را دیدند

که در کنار جوی خیز را می پالید . اسد و کاکایش نزد او فرستند

کاکای اسد گفت : چه را می پالید ؟

او گفت : چند لحظه پیشتر در همین جوی وضو کرده جان

مسجد فرتم بعد از ادای نماز به یادم آمد که ساعت در کنار جوی فراموشتم

شده . من آز را می پالم .

کاکای اسد گفت : چند دقیقه پیش اسد جان ازین راه میگذشت

که در کنار جوی یک قاب ساعت را دیده آزار برداشته بخانه آورد

و بمن داد تا صاحبش را پیدا کنم ، حالا اگر ساعت از شما باشد

نشانی آزا بگویید .

صاحب ساعت گفت : رنگ ساعت من سفید و

بند آن چرم سیاه است .

کاکای اسد دید که نشانی های او درست است به صاحبش

گفت ساعت خود را بگیرید . صاحب ساعت از صداقت

وامانت داری اسد و کاکایش بسیار مسرور شده تشکر کرد.  
کاکای اسد از راستکاری اسد خوش شده برایش  
دعای خیر کرد.

| معنی | لغات  | معنی      | لغات |
|------|-------|-----------|------|
| وقت  | بنگام | پهلو      | کنار |
| خوش  | مسرور | بجا آوردن | ادا  |

از شاگردان پرسان شود که اگر مثل این قصه، کدام قصه دیگر یاد داشته باشند، بیان کنند.

از شاگردان پرسیده شود که اگر شما چیزی را یافت کنید آنرا چه می کنید؟ شاگردان تشویق شوند تا قصه فوق الذکر را به زبان خود ارائه کنند.

شاگردان این جمله را هرگاه با چیزی را پیدا کنیم صاحب آنرا پیدا کرده به او تسلیم نمایم، رایج مرتبه در کتابچه خود بنویسند.

## وفا به عہد

۔ خداوند میں ہوا، در قسمت وفا به عہد امر نموده اند: «به عہد وفا  
کنید پس بر کس نظر بہ امر خداوند، به عہد خود وفا کنند  
یکروز پدراسد بہ اسد گفت: پسرم! امروز من و تو یکجا  
بہ شہر میرویم. اسد گفت: پدر جان! من ہمراہی  
شریف وعدہ کردہ ام تا بدیدن ماما شیش کہ مرخص است  
برویم. اگر ہمراہی شما بروم با شریف وعدہ خلاف  
می شوم. پدرش گفت: آفرین پسرم، کہ بہ عہد  
خود وفا میکنی.

۔ حضرت محمد میں فرمودہ اند: یکی از علامت مناعت  
و عدہ خلافی می باشد. کسانیکہ وعدہ خلافی میکنند،  
صاحب ایمان کامل نیستند. میچکس شخص وعدہ  
خلاف کند نمیکند و او را دوست ندارد

|             |            |             |            |
|-------------|------------|-------------|------------|
| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> | <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
| قول داران   | عهد        | دورویی      | سناقت      |
|             |            | پوره        | کامل       |

معلم صاحب در مورد دو فایده عهد بزبان ساده به شاگردان  
 معلومات بدید.

جملات ذیل را تکمیل نمایید.

۱- خداوندیج، در قسمت ..... امر نموده اند.

۲- هیچکس اشخاص و عهد خلاف را ..... نداد.



# عادت های خوب

اسد صبح وقت از خواب بیدار میشود ، وضو کرده نماز میخواند  
بعد از ادا می نماز و تلاوت قرآن کریم درس های  
خود را تکرار میکند پس از آن چای می نوشد و طرف  
مکتب روان میشود .

اسد بجهت با احتیاط است همیشه در سرک های عریضه  
از پیاده روی مانع نگذرد . اسد دارای اخلاق  
نیک بوده راستگو و راستکار است همه در دست  
دارند .

| معنی | لغت   | معنی                      | لغت           |
|------|-------|---------------------------|---------------|
| حوی  | اخلاق | خواندن قرآن کریم<br>دوستی | تلاوت<br>محبت |

سوالات :

- ۱- شما وقتی که از خواب بیدار می شوید چه می کنید ؟
- ۲- وقتی که طرف مکتب روان می شوید از سرک ، چگونه می گذرید ؟

## مسواک کردن دندانها

دندان یک نعمت بزرگ خداوند است. مابادندانها غذا را می جویم و نرم میسازیم. هر قدر که غذا با دندانها خوب جوید شود به همان اندازه لذت غذا در دهن زیاد شده و مضم آن در معده آسان میشود.

وقتی که غذا را بلع می کنیم پارچه های خورد و غذا در دندانهای ماباقی میماند. اگر این پارچه های غذا با مسواک و یا برس دور نشود پوسیده شده باعث تعفن دهن میگردد و میکروب ها در آن جا قایم میگردند و توسط آب و غذا داخل بدن ماشده ما را مریض میسازد برخی از این میکروب ها به خوردن دندان ها شروع کرده دندانها را سیاه و فرسوده (کرمی) میسازند بلاخره سبب درد دندان میشوند. برای اینکه دندانهای ما صحت و سالم باشد باید دندان های خود را در وقت وضو بعد

از صرف غذا مسواک یا برس کنیم . در مسواک کردن  
 دندان فایده زیاد موجود است . دندانهای مپاک و صفا  
 معلوم میشوند . دهن ما بوی خوش میدهد ، دندانهای ما  
 درد نمی کند ، چنانچه درین مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرموده اند :  
 « اگر بالای اُمت من سختی نمی آید امری کردم که در هر نماز  
 وضو کنند و در هر وضو دندانهای خود را مسواک نمایند . »

| لغات | معنی   | لغات | معنی |
|------|--------|------|------|
| طبع  | خوردن  | سالم | درست |
| تعفن | بوی بد | اُمت | پیرد |

دندان ما چه وظیفه دارند ؟

فایده برس و مسواک را بیان کنید . معلم حسب گفته های شاگردان را بر روی  
 تخته نوشته بعد از آن توسط شاگردان به آواز بلند قرائت کرده و بعد از آن شاگردان  
 میخواهد که نوشته زوی تخته را پس از اصلاحات لازم در کتابچه های خویش بنویسند .

## راستی

عابد از نسیم یک قلم را به امانت گرفت، نسیم فراموش  
کرده بود که قلم خود را به عابد داده است. روزی  
نسیم در صنف گفت: قلم من گم شده است. عابد فوراً  
بلند شده گفت: قلمت گم نشده نزد من میباشد.  
همه شاگردان به عابد آفرین گفتند و از راستی و  
راستگویی عابد خوش شدند. عابد هم بسیار خوش  
شد و با خود عهد کرد که همیشه راست بگوید.  
کسیکه راستی می کند خداوند بزرگ، از او راضی و بنده گانش  
او را دوست می دارند.

آدم راستکار در هر جا به نام نیک یاد میشود.

لغت  
نیک  
معنی  
خوب

جملات ذیل را در کتابچہ های خود یک یک بار بنویسید.

۱- کسیکه راستی میکند خداوند بخله او و بندگانش او را دوست میدارند.

۲- آدم راستکار در سر جا به نام نیک یاد میشود.

# آداب سخن گفتن

بر ما لازم است که در سخن گفتن آداب زیر را در نظر داشته

- باشیم.
- ۱- همیشه در سخن گفتن از نرمی و ملائمت کار بگیریم.
  - ۲- در سخن گفتن نه آنقدر آواز خود را بلند کنیم که سبب ناآرامی شوند، نه آنقدر آهسته سخن بزنیم که شنونده نمانند.
  - ۳- در مجلسی که بزرگان و عالمان سخن میزنند، باید بسیار با ادب، آرا کوشش بگیریم.
  - ۴- اگر خود ما کلام وقت سخن میگوییم، اول خوب فکر کنیم و بعد آرا بگوییم.
  - ۵- در مجلسی که نفرزاید باشد، نوبت سخن گفتن را باید - مراعات کنیم.
- کوشش کنیم که سخنان ما خوب و فایده مند باشد

۷ - اگر کسی به سخن گفتن مشغول باشد بگذاریم که سخن او تمام شود بعد ما به نوبت خود سخن بگوییم .  
دین اسلام مسلمانان را از سخنان بیوده منع نموده  
است باید ما مسلمانان از سخنان بیجا و بی فایده پرهیز  
نماییم .

---

| <u>معنی</u>                                 | <u>لغت</u> |
|---|------------|
| نرمی  | ملاکت      |
| در نظر گرفتن                                | مراعات     |
| بکلمات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید . |            |
| منع   | اداب       |
| مجلس  |            |

# رحم بر حیوانات

رحم نمودن بر حیوانات بی ضرر یک امر دینی میسب باشد.  
 ما باید بر حیوانات رحم داشته باشیم، حیوانات هم دارای  
 جسم و جان هستند، به خوردن و نوشیدن ضرورت  
 دارند. گر سنگی و تشنگی احساس میکنند. حیواناتی را که  
 تربیه میکنیم باید آنها را به خوبی نگهداری نماییم.  
 حیواناتی را که باری برند، باید از توان شان بیشتر  
 بار نکنیم، و آنها را الت و کوب نه نماییم. مورچه ها،  
 پرندگان و دیگر حشرات و حیوانات بی ضرر را نیز  
 آزار ندهیم.

---

معنی در یافت کردن  
 طاقت  
 لغت  
 حس  
 توان  
 معلم صاحب به شاگردان تاکید نماید که بالای حیوانات ظلم نکنند.



## بره گم شده

یکروز نازو و لطیفه از مکتب به سوی خانه می آمدند، نزدیک خانه چشم آن تا به یک بره افتاد. لطیفه گفت: نازو این بره را بین چطور بیع می کنی فکر می کنی گم شده است. نازو گفت: بلی من هم فکر می کنم گم شده است، بین چطور به طرف هر کس می رود و بیع می کند اما مردم سرگرم کارهای خود هستند و بیع آزرانی شوند.

لطیفه گفت: بلی به طرف نانوا، سبزی فروش، میوه فروش و دیگر دکانداران بیع کرد، بین حالا به طرف شاگردهای مکتب هم بیع می کنی مگر هیچ کسی به آوازش گوش نمیدهد و هر کس سرگرم کار خود است.

لطیفه و نازو دل سوزی کرده به بره گلن نزدیک شدند تا به آن محبت ورزند. مگر بره از نزدشان گریخت.

لطیف دوباره به بره نزدیک شده گفت: ای بره گلک  
زیبا تو از کجا آمدی؟ لطیف بر پشت بره دست کشید. پس از  
آن لطیف و نازو راه خود را پیش گرفتند اما می دیدند که بره از پشت  
آنها ردان است، نمی دانستند که با بره چه کنند. چند دقیقه بعد  
لطیف و نازو بخانه های شان نزدیک شدند، نازو به خانه خود رفت  
لطیف بره را دید که باز هم بچ می کند.

لطیف با خود گفت: این بره گلک گم شده است، شاید گرسنه  
هم باشد. لطیف بره را با خود به خانه برد. مادر لطیف بره را دید و پریان  
کرد: این بره را از کجا آورده ای؟ صاحب این بره کی خواهد بود؟  
لطیف گفت: من هم نمی دانم.

مادر لطیف گفت: بره گلک گرسنه است برو برایش کمی  
رشته یار تا سیر شود.

لطیف رشته را آورده برای بره انداخت و بعد برایش آب

دارد .

درین وقت مادر لطیفه گفت : لطیف جان ! برو از همسایه  
پرس . شاید این بره از کدام همسایه باشد .

لطیفه بخانه همسایه نرفت و از آنها پرسید : بره شما گم  
نشده است ؟

همسایه ها جواب دادند : فی ، بره ما گم نشده است .  
لطیفه به خانه آمد و درین فکر بود که صاحب بره را چگونه پیدا کند .  
درین وقت دروازه حویلی زده شد ، لطیفه رفت تا ببیند  
که کیست . و تکیه دروازه را باز کرد ، یک بچه کوچی را دید .

لطیفه گفت : برادر جان ، چه می گویی ؟  
بچه کوچی گفت : یک بره ما گم شده ، همسایه تان گفت  
که در خانه شماست .

لطیفه گفت : برادر جان همین جا باش ، من یک

دقیقه بعد می آیم .

لطیفه بخانه رفت و به مادر خود گفت : مادر جان ، یک

بچه کوچی آمده و می گوید که بره اش کم شده است .

مادرش گفت : برو بچه کوچی را بیاور تا بره را ببینند .

وقتیکه بچه کوچی به خانه آمد ، بره بطرف او دوید و بجای کرد

لطیفه و مادرش دانستند که بره از بچه کوچی است . بچه

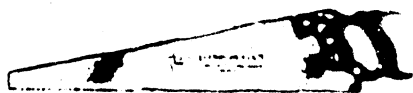
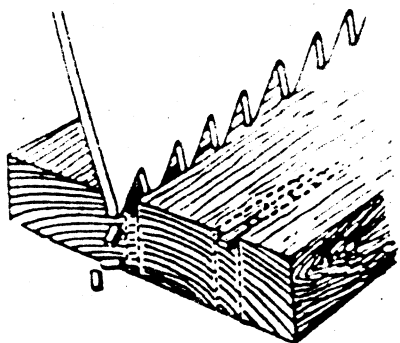
کوچی از بمکاری آنها خوش شده ، بره را با خود برد .

---

از شاگردان خوابه شود که قهر را بزبان خود بیان کنند .

از شاگردان پرسیده شود که ازین قهر چه یاد گرفتید .

# نجاری



نجاری کسب خوب است .  
حضرت نوح علیه السلام با استفاده از کسب نجاری کشتی  
ساخت و پیروان خود را از خطر غرق شدن در آب  
نجات داد .

نجار کارهای خود را به واسطه تیشه ، اره ، رنده ، وغیره  
سامان انجام میدهد و بواسطه این سامان میز ، چوکی ،

در وازه، تخته شاق، خط گش و غیره سازد.  
در مکتب ما حرفه نجاری مسلم است ما در ساعت نجاری  
ساختن میز، چوکی، در وازه و غیره در ایام میگیریم

لغات      معنی

انجام      آخر

حرفه      کسب پیشه

۱- اسباب نجاری کدام چیزها اند؟

۲- نجار کدام چیزها را میسازد؟

۳- فواید عیبه اسلام با استفاده از کسب نجاری چه ساخت؟

# معماری



معماری نیک کب خوب است حضرت ابراهیم علیه السلام، با  
فرزند خود حضرت اسماعیل علیه السلام، به امر خداوند چون جدار، کعبه  
شریفه را آباد نمودند. معماران برای ما مسجد، مکتب، مدرسه  
خانه، دکان و غیره تعمیرات راجی سازند.  
تمام آبادی را که به طسوف خود می بنیم، از برکت زحمت  
معماران است. معمار خوب دارای اخلاق نیک  
بوده در کسب و کار خود صادق می باشد.

از معماران راستکار همه مردم خوش میباشند.  
معماران لایق روز به روز کار خود را بهتری سازند.  
هر که کارش از برای حق بود  
کار او پیوسته بار رونق بود

---

| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> | <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
|-------------|------------|-------------|------------|
| نام خداوند  | حق         | گلکاری      | معماری     |
| زیبایی      | رونق       | گلکار       | معمار      |
|             |            | راستکار     | سابق       |

### سوالات:

- ۱- حضرت ابراهیم را، با پسر خود که ام جای را آباد نمودند؟
- ۲- معماران برای مردم چه خدمت میکنند؟



# تجارت

تجارت یک کسب خوب و حلال است پیغمبر خدا  
 حضرت محمد ص هم تجارت کرده اند. تاجران باید در خرید  
 و فروش خود دروغ نگویند از انصاف کار بگیرند.  
 اگر تاجران به دروغ گویی قسم خوری در مال خود فایده  
 نمایند، برای شان حرام است.  
 اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند بجزای  
 در مال شان برکت می اندازد.

|          |        |   |       |
|----------|--------|---|-------|
| معنی     | لغت    | معنی  | لغت   |
| سوداگران | تاجران | سوداگری   | تجارت |
|          |        | این جملات را تمییز نموده هر کدام را یکبار تحریر نمایید. |       |

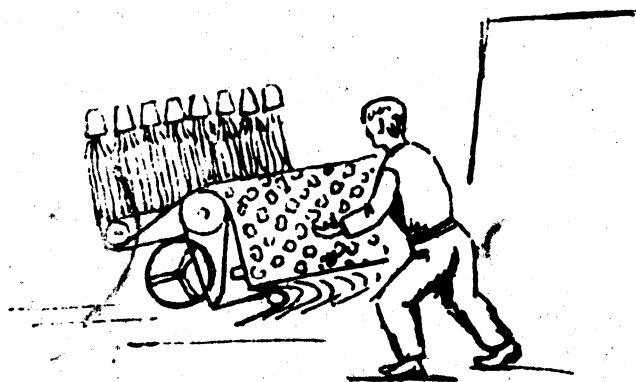
۱- پیغمبر خدا ص چه جلاله حضرت محمد ص را چه عید و سلم، هم ..... میکردند.

۲- تاجران در خرید و فروش خود ..... نگویند.

۳- اگر تاجران به دروغ گویی قسم خوری در مال خود فایده نمایند ..... است.

۴- اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند بجزای در مال شان ..... می اندازد.

# بافنده گی



بافنده گی یک کسب خوب است .  
در وطن عزیز ما افغانستان پنبه ، ابریشم و پشم پشه  
میشود .

بافنده ها از پنبه تکه های نخ می و ابریشم پارچه های شنی  
میسازند . مردم از لباس های شنی در وقت زمستان  
استفاده میکنند از تکه های نخ در وقت بهار

کار می‌کنند.

با فنده ها از برشم گلیم، قالین و غیره چیزها می‌سازند.  
قالین و گلیم سمت شمال و غرب وطن عزیز ما  
بسیار شهرت دارد.

از ابریشم تکه های نازک و تمیتی مانند لنگی و دستمال  
ساخته میشود. پنبه در زمین کشت میشود، ما پشم از حیوانات  
بدست می‌آید ابریشم از کرم پیله بدست می‌آید.

با فندگی صنعت قدیم افغانستان بوده و در بسیار  
جاها رواج دارد.

---

|           |             |
|-----------|-------------|
| <u>لف</u> | <u>معنی</u> |
| توسط      | به واسطه    |
| نواجی     | با فندگی    |
| صنعت      | هنر و پیشه  |

## حکایت



ناصر از بازار آهنگری میگذشت. تابستان بود.  
آهنگری را دید که در هوای بسیار گرم در کنار کوره آهنگری  
مشغول کار بوده، عرق از سر و رویش میچکد، نا صبر او  
گفت: چرا درین هوای گرم کار میکنی و خود را تکلیف  
میدهی؟ آهنگر گفت: برادرم! اگر من درین حال  
بمیرم، در حال اطاعت خداوند، و عبادت او از  
دنیا میروم.

انسان باید زحمت بکشد تا محتاج نشود و بتواند روزی  
حلال بدست آورد.

پس این کار و کوشش در حقیقت اطاعت از امر  
خداوند است، نه بال دوستی و دنیا دوستی.

---

| <u>معنی</u> | <u>لغت</u> |
|-------------|------------|
|-------------|------------|

|      |      |
|------|------|
| گوشه | کنار |
|------|------|

|              |       |
|--------------|-------|
| فرمان برداری | اطاعت |
|--------------|-------|

|                 |         |
|-----------------|---------|
| صاحب آبرو و عزت | آبرومند |
|-----------------|---------|

شاگردان خدامه طلب عنوان فوق از زبان خود طوری

بیان کنند.

# بزک چینی

در یکی از روزهای زمستان که برف میبارید . نازوب  
اسد و رازق گفت : امروز بیرون نمی رویم که ترمی شویم . فزوا  
که آفتاب شدید آدمک برنی قشنگ می سازیم . حالا بیاید که  
برای تان قه بزک چینی را بگویم .

اسد گفت : بسیار خوب ، امروز بیرون نمی رویم و  
قه بزک چینی را می شنویم .



نازوبه گفتن قصه شروع کرد.

بودن بود یک بزک چینی بود. این بزک چینی سه چوپه داشت.

نام چوپه هایش انگک. بنگک و کلوله سنگک بود. هر صبح که بزک چینی برای چریدن می رفت به چوپه هایش می گفت چوپه های قشنگم، من میروم. تا آمدن من دروازه را برای هیچ کس باز نکنید.

چوپه های گفتند بسیار خوب.

هر شام وقتی که بزک چینی از چراگاه پس می آمد دروازه را می زد. چوپه هایش می گفتند، کیست که دروازه را میزند؟

بزک چینی می گفت: چوپه های قشنگ من انگک

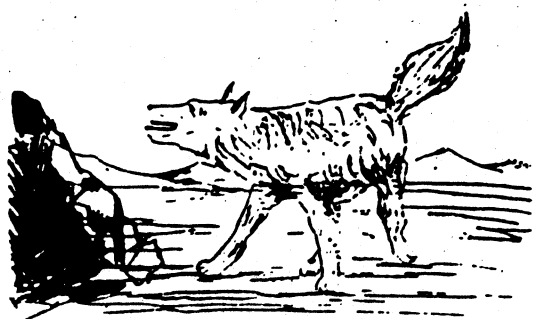
بنگک و کلوله سنگک، دروازه را برای مادر تان باز کنید.

چوپه هایش پس از شنیدن صدای مادر، با خوشی

بطرف دروازه می دویدند و آنرا باز می کردند.

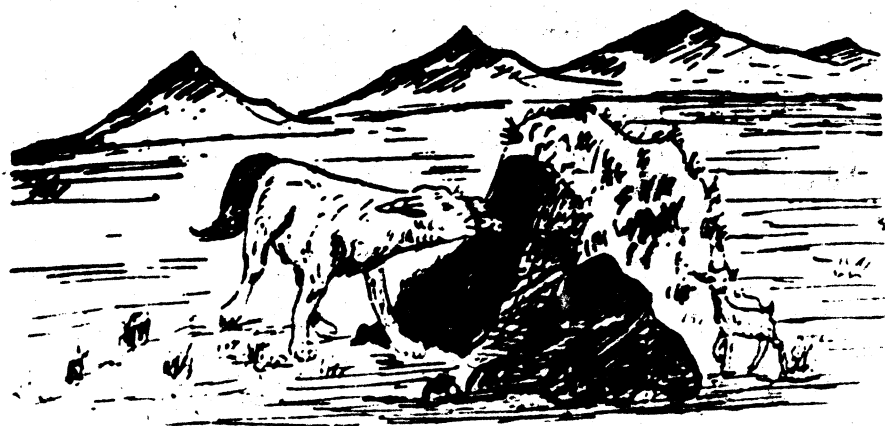
یک روز صبح، یک گرگ در نزدیکی خانه بزن چینی  
می‌گشت. وقتی که بزن چینی از خانه بیرون رفت، گرگ  
آمد و دروازه را زد.

چوچه‌های بزن چینی گفتند، کیست که دروازه را می‌زند؟  
گرگ صدای خود را مثل صدای بزن چینی ساخت و  
گفت: چوچه‌های تشنگ من، انگن، بنگن، دکول و بنگن





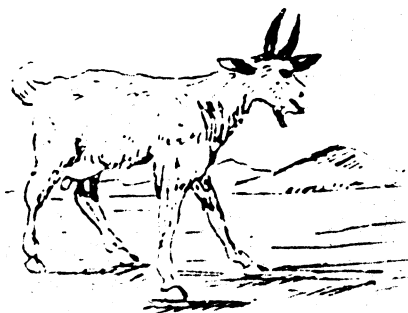
دروازه را برای مادرتان باز کنید .  
چوچه های بزرگ چینی که آواز مادر خود را بی وقت  
شنیدند، حیران مانند .  
گرگ باز هم صدا کرد . چوچه ها فکر کردند که مادرشان است  
دروازه را باز کردند .  
گرگ به داخل خانه خیز زد . انگک و بنگک را  
راقت کرد . کلوا سنگ در پشت یک سنگ پت شد .



دیگر که بزک چینی از چراگاه آمد دروازه رازد، مگر  
صدای چوپه مایش را نشنید. باز دروازه رازد.  
کلوله سنگک که بسیار ترسیده بود پت شده بود نزدیک  
دروازه آمد و پرسان کرد، کیت که دروازه رامی زند؟  
بزک چینی جواب داد، چوپه های تشنگ من انگک  
سنگک و کلوله سنگک دروازه را برای مادرمان باز کنید.



کلوله سنگ با ترس و لرز دروازه را باز کرد. وقتی که  
بزک چینی بداخل خانه آمد انگک و سنگ را ندید. از  
کلوله سنگ پرسان کرد که انگک و سنگ چه شد؟ کلوله سنگ جواب داد  
بعد از رفتن شما، چیزی آمد و آنها را قرت کرد.  
بزک چینی بسیار پریشان شد. زود از خانه برآمد مگر  
حیران بود که چه کند و کجا برود. چند دقیقه بعد با قهر و پریشانی



به طرف خانه روباه رفت و سر بام خانه روباه خیز زد .

روباه از درون خانه صدا کرد :

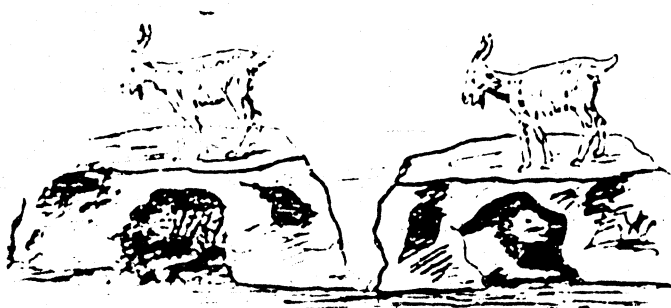
کیست سر بامک لرزانتک من .

خاک می ریزاند در اشک مهبانک من .

آشک مهبانک مرا شور کردی .

چشم مهبانک مرا کور کردی .

بزک چینی جواب داد .



من استم بزک چینی ،  
دو شاخ دارم بالای بینی ،  
کی خورده انگک من ؟  
کی خورده بنگک من ؟  
کی می آید به جنگک من ؟

رو باه جواب داد .

نخورده ام انگک تو ،

نخورده ام بنگک تو ،

نمیایم به جنگک تو ،

بعد از آن بزک چینی به خانه های شیر و پلنگ رفت و  
پرسان کرد . آنها هم جواب دادند که چوچه هایش را نخورده اند .  
پس از آن بزک چینی بطرف خانه گرگ رفت و سر  
باش خیز زد .

گرگ از داخل خانہ صد اکرود .  
کیست سر بامک لرزائک من ؟  
خاک می ریزاند در آشک مہانک من ،  
آشک مہانک مرا شور کردی ،  
چشم مہانک مرا کور کردی ،  
بزک چینی جواب داد .  
من استم بزک چینی ،  
دو شاخ دارم بالای بینی ،  
کی خورده انگک من ،  
کی خورده بنگک من ،  
کی میاید بہ جنگک من ،  
گرگ گفت :



من خورده ام انگک تو ،

من خورده ام بنگل تو .

من میام به جنگل تو .

فردا صبح بزک چینی با یک کوزه شیر پیش آهنگر رفت

و گفت : این شیر را بگیر و شاخ های مرا خوب تیز کن .

آهنگر شیر را گرفت و شاخ هایش را خوب تیز کرد .

پس آنتر گرگ یک کوزه از خاک پر کرد و برای آهنگر برد

گفت : این شیر را بگیر و دندان هایم را تیز کن .

آهنگر دید که گرگ کوزه را از خاک پر کرده است و شیر

در آن نیست ، قهر شد ، همه دندانهای گرگ را کشید و در جای

دندان هایش پخته ماند .

روز دیگر بزک چینی و گرگ به میدان جنگ رفتند

گرگ صدا کرد " اول تو شروع کن " بزک چینی گفت " نی

تو اول شروع کن . "

گرگ پس رفت و پیش آمد و بطرف بزک چینی خیزد  
بسیار کوشش کرد که او را بجزود، مگر تکه های پخته از جای  
دندانهایش افتاد و چیزی از دستش نیامد.

پس از آن بزک چینی به طرف گرگ دوید و با شاخهای  
تیز خود به شکم گرگ زد. شکم گرگ پاره شد و گرگ بزین افتاد.  
انگ و سنگ از شکم پاره شده گرگ بیرون آمدند. بزک  
چینی و چوچه مالش با خوشی بخانه رفتند.

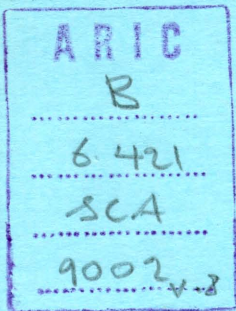
اسد و رازق از شنیدن این قصه بسیار خوش شدند.  
فردا که آفتاب شد و هوا خوب بود، هر سه شان یک آدمک  
برنی قشنگ ساختند و آن روز را به خوشی تیر کردند.



## دُعا

یا الہی بہ حرمت محمد مصطفیٰ سردار انبیا  
و نور الہدایا اما اطفال مسلمان و افغان را بانور  
علم و معرفت منور گردان تا در پرتو آن در محیط  
خانواده ، ہمسایہ و ہمہ مردم خود با روحیہ اتفاق  
دوستی و برادری حیات مشرور پر بار و برکت را  
بہ پیش بریم . وطن عزیز خود را آباد کردہ انواع اسباب  
راحت و فلاح بموطنان خویش را فراهم سازیم .

آمین یا رب العالمین .



ناشر:



دؤسه تحویل کننده: سویدن

و بازار مشترك اروپا (EC)

سال چاپ: ۱۳۷۸ هـ.ش

تعداد: ۶۸۰۶

طبع: Rehmat Printing Press

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**